

وصف مدینه منوره (۲)

علی بن موسی / اصغر قائدان



محمود خان بوده است، نهر چهارم - داخل قلعه خاقانیه است. اما نهر پنجم (در خارج شهر) نزدیک مرقد صاحب نفس زکیه - نوه امام حسن علیه السلام - و نزدیک باغ معروف به زکی قرار دارد، از آنجا تا چشمه‌ای که در شمال مدینه منوره قرار دارد، طول راه آن یک ساعت و ربع با چهار پا پیموده می‌شود. اما چشمه رود، که سرچشمه آن از قبا و در زیر سرچشمه زرقاء است، مخصوص دفع زیاله‌ها از وضوخانه‌ها و فاضلابهای اطراف حرم شریف پیامبر صلی الله علیه و آله است، آب چشمه زرقاء و چشمه شور در محلی نزدیک به کوه زباب - که بر روی آن مسجدالرایه است و الآن به «قرین تحتانی» معروف است - به هم می‌پیوندد. از محل ابوجیده،

چاهها، رودها، نخلستانها و باغهای موجود در چهار طرف شهر: در جنوب، چشمه زرقاء قرار دارد که دارای آبی گوارا است و چشمه شور سلطانیه نیز در آن طرف است که هر دو چشمه در ملک ازرق متعلق به سلسله بنی‌امیه واقع شده. چشمه زرقاء که در مناخه رودی از آن جاری است، دارای نهرهای متعدد است که مردم از آب آنها می‌نوشند. در داخل شهر در قسمت دیوار «جوانی» چهار نهر جاری است: نهر اول - در محله اغوات است. نهر دوم - نهر باب السلام که در زیر خانه ایزمرلی واقع است؛ نهر سوم - در آخر صحن نزدیک محله جدید که به «سلطانیه» شهرت دارد و متعلق به عدیله سلطان، دختر سلطان

در تابستان مقدار آب آن کم می‌شود به حدّی که بیشتر مردمان آنجا از جویهای کوچک استفاده می‌کنند.

در قسمت جنوب (شهر)، به علت گوارایی آب روستاهای قبا و قربان، باغهای بسیاری وجود دارد که در آنها انواع درختان میوه از قبیل درخت انگور، انار، لیموشیرین، لیموترش، موز، هلو، سیب، ترنج، نارنج، نوعی انجیر و گلهایی از قبیل گل سرخ، رازقی (یاس)، گل (شکوفه) حنا، ریحان و نخلستانهای انبوهی یافت می‌شود.

در روستای عوالی، (تاکستان) انگور خیلی کم به چشم می‌خورد، اما نخلستانهای آنجا بسیار و مزرعه درختان آن فراوان است. مسافت بین آن روستا و مدینه پنج هزار ذراع است که هر ذراع به اندازه چهار فتر - فاصله بین - انگشت ابهام و سبابه تا آرنج - متوسط است. در تمامی این منطقه نخلستانهای دیمی وجود دارد که متعلق به اهالی آن مناطق است که بیشتر آنها را اجاره می‌کنند و به نخلهای «صیارین» معروفند؛ مردم در تابستان برای بیلاق به آنجا می‌روند و وقتی خرماها و محصول نخلها تمام شد، کوچ می‌کنند.

در عصرها، در زمینهای خالی از پوشش گیاهی که بین مدینه و روستاهای

در جهت جنوب سه چشمه جریان دارد: اول - چشمه صدقه است که سید علوی سقاف و شیخ فراشین بری و دیگران در آن شریک هستند. دوم آن چشمه‌ها مال سید هاشم جمل اللیل و شرکای ایشان است، که از شمال کوه سلح به سمت راه حرف جریان دارد.

چشمه سوم که در شمال زباب قرار دارد و متعلق به خادمان حرم شریف از جمله خادمان سرای همایونی و اهالی آن دیار بوده و برای سیراب ساختن درختان و باغها استفاده می‌شود.

علاوه بر چشمه‌های زرقاء، شور سلطانیه و چشمه رود در سمت جنوب، چشمه چهارم که در سمت جنوب است به «چشمه کبیر» معروف است. سرچشمه آن خارج از این سرزمین مطهر و در سمت قبله نزدیک باغ معروف به «مرجلین» است. باغ مذکور از غرب نزدیک وادی بطحان و در شرق کانال «رانونا» است؛ رانونا از میان حره در روستای قبا سرچشمه می‌گردد. از جهت قبله هیچ چشمه‌ای جز این چشمه، سرچشمه نمی‌گیرد. این چشمه به دلیل آنکه نزدیک محل مرواه قرار دارد و برای مشروب ساختن باغهایی که در آن سمت واقع شده است، در زمستان، پرآب است و



توضیح که آبادی و ویرانی آن را هم بیان خواهیم کرد - آغاز می‌کنیم و نخلستانهای مربوط به هر چشمه را هم به طور تخمین خواهیم گفت:

در شمال «طرف شمال» در سمت چپ کسی که به سوی چشمه‌ها می‌رود، رود اغوات را که برای خدام حجرهٔ سید کائنات است و متعلق به غلامان سرای همایونی و اهالی کوه ذباب است و بر آن کوه مسجدی معروف به «قرین» قرار گرفته است مشاهده می‌کند.

و در غرب (طرف شام) کسی که به سمت جرف یعنی، چاه عثمان بن عفان می‌رود، در سمت چپ چشمهٔ سید هاشم جمل اللیل را که متعلق به اهالی آن دیار است، می‌بیند و نیز دو چشمهٔ دیگر که در سال هزار و دویست و نود و نه هجری جریان یافته، باقی، مانده است.

در شرق (طرف شام) دو چشمه واقع شده؛ چشمه‌ای در جزع الصدقه قرار دارد که اکنون به چشمهٔ صدقه معروف و به «سید شیخ السادات» و «شیخ الفراشین افندی البدی» و دیگر اطرافیان‌شان تعلق دارد و تعداد دو هزار اصله نخل از آن سیراب می‌شود. در قسمت شمالی آن پس از یک ربع ساعت پیاده‌روی، چشمهٔ دیگری به

سابق‌الذکر قرار دارد، درختهای بسیاری نشانیده شده و نخلستانهای آن تا دیوار شهر مدینه کشیده شده است.

اما در شرق مدینه بدلیل وجود زمینهای سنگلاخ، هیچ رودی در آن جریان ندارد مگر در کانال و قناتی که به نهر حمزه رضی الله عنه معروف است، که سرچشمه و مخازن یازده نهر از آن گرفته می‌شده و برخی از آن نهرها همچنان باقی است و برخی از آنها نیز از بین رفته و خشک شده‌اند. نخلستانهای این منطقه دیمی است و از آب باران سیراب می‌شود.

تفصیل نهرهای این چشمه‌ها در جهت شامی (شمالی) خواهد آمد.

بیشتر زمینهای باغهای بین حرهٔ شرقی و مدینهٔ منوره، خشک و سنگلاخ است که در آن تنها درختهای نخل، سدر، انار و انجیر می‌روید. اما در قسمت معروف به «باب‌الجمعه» باغ و نخلستان کسی به چشم می‌خورد.

فاصلهٔ دیوار جوانی و حرهٔ شرقی که به قسمت «وشم» معروف است، دوهزار ذراع می‌باشد.

اما چشمه‌های سمت شمالی عبارتند از:

(البته از نزدیکترین چشمه - با این

چشم می‌خورد که رود آن در منطقه المستراح جریان داشته و اینک جاری نیست؛ این چشمه متعلق به سید حسین با فقیه و شیخ السادات علوی و دیگران است. زمینهای درختکاری شده معروف به سرافیه نیز به آن زمین متصل است. این زمین ملک مؤلف افندی علی موسی و همراهان اوست و دارای سه هزار اصله نخل به غیر از درختان انار و انجیر است.

از غرب (طرف شام) چشمه حازمیه متعلق به مرحوم سید مدنی و مرحوم مصلح شریون و دیگر شرکای ایشان است که نزدیک به هزار و پانصد اصل نخل دارد و نصف آب آن روی زمین پخش می‌شود. نخلستان المصرع از سید مدنی و بنی علی است که سی سال قبل آب شرب آن قطع شده است. البته پانصد سال پیش آب شرب آن جاری بود و نخلهای آن در مجاورت کانال، مقابل مرقد حمزه سید الشهداء این نخلستان سمت چپ کسانی واقع می‌شود که برای زیارت شهدای احد حرکت می‌کنند. قسمت اعظم آن را سعید عبدالواحد مدنی خریده است و تصمیم داشت که سهم شرکای بنی علی را نیز خریداری کند ولی آنها نپذیرفتند. وی در پاکسازی و تصفیه آب آنجا کوتاهی نمود و به تدریج آب آن کم

و سپس قطع گردید. او درگذشت و ورثه‌اش سهم خود را به سید مدنی فروختند و سعید عبدالواحد تصمیم داشت که سهم آنها را از بنی علی بخرد، اما چشمه از بین رفت و به حالت ویران باقی ماند. هشت وجبه (نوبت)، از چشمه حازمیه خریدند تا زمین مصرع را آبیاری کنند. بنوعی برای سیراب نمودن زمینهای خود سه و نیم نوبت آن را خرید. وجبه (نوبت). مدت زمانی است که بین طلوع خورشید تا غروب آن یا غروب خورشید تا طلوع را شامل می‌شود. در زمینهای عین‌المصرع نزدیک به هزار اصله نخل وجود دارد.

در شمال (سمت شام) کانال (مسبل) سید حمزه، در دامنه کوه احد نزدیک شریعه الحمام، چشمه یوفی وجود داشته است که این کانال خراب شده و فقط پنجاه درخت خرما و یک درخت سرو از آن باقی مانده است.

در غرب - مسجد حمزه علیه السلام رود چشمه الثنابه است که به آن چشمه معاویه نیز می‌گویند و متعلق به سید ابومسعود داغستانی، مفتی سابق، ابراهیم قاضی، سباطی، جلیدان، محمد صالح الشرقی و شرکایی از میادریه و رداده است و تعداد چهار



حمزه رضی اللہ عنہ ابڑی جیده، رانوناء و عقیق است که همگی به سوی چمنزارها جریان دارند. صحرایی که آن آب‌راهها در آن واقع شده زمینهای چشمه را به دو قسمت تقسیم می‌کند: یکی قسمت شرقی، در دامنه جنوبی کوه احد که به جزع شرقی معروف است و تا حیدریه ادامه دارد، جزع دوم، در قسمت غرب - وادی قرار گرفته است و به جزع صادقیه معروف است. افرادی که بخواهند به جزع صادقیه راهی شوند - باید از راه برکه بروند و کسانی که قصد حیدریه دارند باید از جزع شرقی و از بین باغهای عین‌السلام و عین‌الغرابیه حرکت کنند.

در خارج از قسمت شمالی عین‌السلامه، عین‌الطیّار قرار دارد که به مرحوم عباس طیار و برادرش علی طیار و شرکای آنها، صالح بن دخیل حازمی، سید محمدبن علی هاشم تعلق دارد و نخلهای آن بدون محاسبه درختان دیگر سه هزار اصله هستند.

در سمت چپ راه، عین‌المدینه قرار دارد که متعلق به مرحوم سید محمد مدنی، سید سلیمان نجار، ابوبکر ابوالنصر، عواربن راجح، علی قاشقچی و دیگران است و دارای چهار هزار نخل است.

در قسمت شمالی (عین‌السلامه)

هزار درخت نخل به غیر از درختان دیگر دارد. در غرب آن (سمت شام) چشمه السلامه است که به سید ابومسعود مذکور و مرحوم سید اسعد و مرحوم ابن جوعان شرقی و گروهی از میادریه و صعایره و دیگران تعلق دارد و به غیر از درختان انار و لیمو و انجیر، پنج هزار اصله نخل در مجاری آن کشت شده است.

از حیث موقعیت و زمین، چشمه السلامه بهترین وضعیت را نسبت به چشمه‌ها دارد و کنار مسجد سیدالشهدا نه‌ری است که برای وضو و غسل از آب آن استفاده می‌کنند.

در غرب چشمه السلامه: چشمه الحنایه قرار دارد که به الغرابیه معروف است و هنوز نخلهای آن محل، پابرجاست و بدلیل ویرانی و عدم توجه اهالی آنجا، این نخلها بدون آب هستند؛ آنجا دارای هزار و پانصد نخل است که آن نخلها را با آب چاه آبیاری می‌کنند.

در قسمت جنوبی غرابیه، کنار کانال و نهر حمزه، چشمه مرحوم سید عبدالله جعفر، کاتب دیوان است که هفتصد نخل دارد و بیشتر شرکای آن چشمه، زمینهایشان را با آب آن آباد می‌کنند. بنابراین مجرای آب‌راه، در این جا شاهراه و محل‌الحاق چهار آب‌راه،

شرکای آنها است که از دو سال قبل جریان یافته است و کاشت درختها و نهالهای آن در حال تکمیل است.

بعد از آن عین الحیدریه است که اهالی بر سر آن اختلاف و درگیری دارند و جریان آن معطل باقی مانده است.

زمینی که چشمه زبیر در آن واقع شده دارای وسعت زیادی است اما مشخص نیست که آب آنجا را چه کسی به جریان انداخته است، این نقطه از قسمت غرب شروع می‌شود و تا زمین (جزع) صادقیه؛ ادامه می‌یابد. آخر آن جزع، از قسمت شام به کوههای شمالی، معروف به کوههای الغایه و زمینی که عین علی در آن جریان دارد و به ام‌هجول معروف است می‌رسد.

نهر زهراء متعلق به محمد محروس و شرکای ایشان است و تا امسال (سال تألیف کتاب) نیز جریان دارد.

بعد از آن چشمه مقبولیه است که متعلق به کلیب سعدانی حبلاس و دیگران است و نخلستانهای خوبی شامل سه هزار نخل دارد و در آنجا مسجد آبادی است که معلمانی برای آموزش قرآن به کودکان در مسجد اشتغال دارند.

در قسمت شرق آن، چشمه‌ای معروف به عُمَریه وجود دارد که سه هزار اصله نخل

عین‌المدینه قرار گرفته که متعلق به محمد محروس، سید عبدالله جعفر و شرکای آنها است. این قسمت دارای چهار هزار نخل است.

عین النجلیه متعلق به صویغ، روس و سعد نحاس است که آن قسمت هم سه هزار نخل دارد. عین‌المدافعیه قدیم، دیگر چشمه آن منطقه است که سه هزار نخل دارد و متعلق به محمد محروس و شرکای او است عین بانی هم ملک محمد محروس و اطرافیانش است که دارای سه هزار اصله نخل است.

عین‌المدافعیه جدید با چهار هزار نخل متعلق به محمد محروس و شرکای او است. عین ام‌سریره از عبدالله ابو خزیزه و شرکای ایشان است که شهرنشین یا روستانشین هستند.

عین‌العباسیه از فرزندان عباس، سید طه حلبی، محمد رشوان، ابراهیم قاضی و شرکای آنها که هزار نخل دارد. عین موسی با هزار و پانصد اصله نخل از عوادبن راجح عمری و شرکای ایشان است.

چشمه دیگر آنجا السریحیه است که در آن جا پانصد درخت نخل وجود دارد.

عین‌الطاهریه از سید عبدالله جعفر کاتب، مؤلف و عبدالله عرب میمنی و



اطراف شهر مدینه و زمینهای نهال کاری شده یا بی نهال، خارج از دیوار شهر بود اما از شهر که بیرون می‌روید در چهار جهت مذکور، بعد از مدت زمانی، حدود پنج ساعت، بستر رودهای زیادی ظاهر می‌شود که ویران شده‌اند. چاهها در قسمت شمالی در مقایسه با دیگر جهات بسیار کم هستند و اغلب زمینها درختکاری شده و مزرعه را با آب رودهای جاری و چشمه آبیاری می‌کنند. در برخی از باغها، چاههای جدیدی وجود دارد که هنگامی که آب چشمه برای آبیاری مزارع کافی نیست، از آب چاهها برای آبیاری استفاده می‌شود.

نزدیکترین باغها به بازار مدینه منوره، داودیه است که متعلق به مرحوم داود پاشا بوده است و باغ زکی که متعلق به مرحوم علی آقا فرزانی است و راهی وجود دارد که در آن چشمه‌ای برای استفاده حیوانات حاجیان سمت شام و عراق تعبیه شده است. و اکنون در تصرف شیخ الخطبا سید احمد افندی است. باغ دیگر معروف به نصابه در ملکیت سید جمل اللیل است. و بعد باغ مینعه که متعلق به سید احمد اسعد است.

باغ طرناوید متعلق به شیخ محمد قاضی بن علی قاضی است سپس باغ

را در خود جای داده است. در جنوب عمریه، ام‌البیض قرار دارد که چشمه‌ای روان است و در آنجا هزار و پانصد نخل نیز آنجا وجود دارد. در جنوب ام‌البیض چشمه هریسیه واقع شده است و در آنجا دو هزار نخل وجود دارد.

در جنوب هریسیه چشمه جدیدی با نام شینبلیه قرار دارد که در سال گذشته جاری شد. البته نهال در آنجا به اتمام نرسیده و متعلق به افندی خاشقجی و سید ابراهیم اسعد و عبدالله عرب سهینی و شرکای آنها است.

در ناحیه جرف نزدیک به چاه عثمان، زمین چشمه مروان بن حکم است که متعلق به مرحوم شریف عبدالله باشا بن عون، امیر سابق مکه است.

چشمه دوم متعلق به خادمان حرم شریف پیامبر است که هر دو چشمه، (چشمه مروان و چشمه متعلق به خادمان حرف پیامبر ﷺ) در مجرای عقیق واقع شده و سرچشمه آنها از ذولحیفه است و اکنون به آبار، (چاههای) علی معروف می‌باشد. و مدتی هم خرمنگاه گردید ولی بعد به حالت قبلی خود بازگشت و آب آن از چشمه به زمینهایشان جاری گردید.

این بحث مجملی از چشمه‌های

فیروزید که حرم شریف اختصاص دارد. باغ زینبیه که متعلق به سید محمد ذهبی، کاتب سابقِ خادمان حرم است و باغ درویشیه که تملک آن به حرم نبوی اختصاص دارد. چاه حاء به سلیمان کردی و مصطفی کردی، چاه حاء کوچک به مرجان آقا سلیم، توانیه به حیدر آباد، جودیه به احمد ابن جود حمیدانی و کاکبیه به سید محمد صالح افندی فرزند کاتب سلطان، تعلق دارد. چاه معانیه مالِ طاهر بن عمر سفیل است.

باغی که در شرق آن قرار گرفته ملک آل کردی است. باغ براده هم به عبدالجلیل افندی تعلق دارد.

باغ زوحیه هم به حرم اختصاص دارد. بین باغهاومحلّه دیوار جوانی راهی وجود دارد و در همه آن باغها خانههایی با نمای منظم و خاص و چاههایی که درختانِ نخل، انگور، انار، انجیر را با آب آن آبیاری می‌کنند.

در قسمت شمالی، نزدیک دیوار شهر باغهای زیبایی به چشم نمی‌خورد اما در جنوب و خارج از دروازه قبا باغهایی وجود دارد که درون آنها خانه‌ها به طور منظم ساخته شده‌اند، توضیح بیشتر مربوط به خانه‌ها را در قسمت آشنایی با داخل شهر

خواهیم آورد.

در قسمت شمالی، از دروازه شهر تا کوههای غابه بیست و پنج هزار ذراع فاصله است که هر ذراع شامل چهار فیتز است. همه رودهای جاری در سمت شمال، کوتاه هستند مگر چشمه سید علوی شفاف و چشمه سید هاشم جمل اللیل و نهرهای آن دو که از شرق ینبع و از میان باغها به سمت کانال ابوچیده عبور می‌کنند.

سرچشمه بقیه چشمه‌ها، که ذکر آن گذشت، از قسمت شرق از دویخله و از مسیل سید حمزه و سرچشمه برخی از آنها جرف است و به همین دلیل به جز چشمه‌ای در قسمت غربی، آب تمامی آنها شور است. به جز چشمه‌ای در قسمت غربی معروف به جزع صادقیه، که تمام چشمه‌های آن قسمت، آب گوارایی دارد و نخلستانها را با آب آن آبیاری می‌کنند اما در غرب مدینه منوره که انتهای آن ذو خلیفه است، شاهراهی وجود دارد که به نام ینبع‌البحر - رابع - که مکه و جوه را به هم متصل می‌سازد. مزرعه‌های آن ناحیه با آب چاهها آباداست. در آن جا هیچ رودی جز یک چشمه که امسال جاری شده وجود ندارد.

در حرّه غربی چاههای فراوانی داخل



سه طرف غرب، جنوب و شرق مدینه منوره را احاطه کرده‌اند.

در سمت شمالی، حره‌ای وجود ندارد، بلکه کوه سلیم نزدیک دیوار شهر، باب الکومه واقع است. در دامنه کوه، خانه‌های آجری (خستی) وجود دارد که معلق به ساکنان دکارنه است و بادیه‌نشینان چادرهایی از کرک و مو وجود دارد که با فرزندانشان در آن زندگی می‌کنند. آنان خود را از مردم جدا کرده‌اند و برخی از آنها سرکین چهاربایان را جمع‌آوری کرده و با فروش آن مخارج زندگی خود را تأمین می‌کنند و برخی دیگر به کار در باغها مشغول می‌شوند.

در سمت راه رومه و جرف، سه کوه جدا از هم وجود دارد. یکی از آنها کوه حصانیه است. این کوه نزدیک مساجد چهارگانه واقع شده است که در قسمت شامی آن کوه فته قرار دارد. در غرب کوه حصانیه کوه کوچکی قرار دارد که به آن کوه ام ضلیع گویند. شرح کوه احد هم قبلاً گذشت. همه این سه کوه و کوه اُحد در سمت شمالی قرار دارند.

در قسمت غرب حره غربی کوههای سه‌گانه جموات قرار دارد که در راه وادی عقیق به سمت جرف است. عصفیرین در

مزارع کنار مجرای سیل العقیق قرار دارد که به عنابس معروف است. بعد از فرود آمدن از مدرج به طرف نقاء که قبه السقی در آن جا است مزارع و نخلستانهایی به چشم می‌خورد که همه آنها جدید کاشته شده‌اند و بزرگترین آنها، به حره متصل است.

در جنوب شرقی قشلة العسکریه، باغ بزرگی است متعلق به آقای تاج‌الدین الیاس که سه سال پیش آن را از عبدالله عرب میمنی خریده است.

در جنوب آن، باغ عمرزاهد معروف به مغیسه قرار دارد. (چاههای) آن قسمت آب بسیار گوارایی دارد، در آن جا ساختمان محکمی ساخته شده و در آن باغ درختان انگور خوب کاشته شده است و چاههای آب آنجا عمیق نیست.

بخش دوم

در بیان حره و کوههایی که در اطراف مدینه منوره است:

همچنین در بیان جهت‌هایی که حره در آن وجود ندارد و اینکه هر جهت متعلق به چه قبیله‌ای است این بخش شامل سه فصل است:

فصل اول: در بیان حره‌هایی که از

گر دیده است، به حره حرم متصل بوده و پیامبر آن جا را حرم اعلام فرمودند؛ چنانکه ابراهیم خلیل علیه السلام مکه مکرمه را حرم قرار داد.

پس به قدرت خداوند آنچه در خارج از حرم بود به هنگام وقوع آتش سوزی، آتش گرفت و آنچه در درون حرم بود آتش نگرفت، سنگهایی که در آتش سوخته بود تا امروز شبیه آهنی است که آهنگر زنگار آن را زوده باشد، راه رفتن روی این سنگها برای چهارپایان اگر چه نعل هم داشته باشند، دشوار است و از روی آن به سرعت می گذرند.

اما قسمت شمالی (شامی) که به الصورة معروف است، زمینهای این قسمت به دو بخش تقسیم می گردد: بخشی که در راه حمزه سیدالشهدا واقع شده که اغلب آن از گچ است و بعد از آتش سوزی بنا شده بخش دیگر که برخی از آن نیز گل است و قسمت اعظم آن شوره زار است و در تمام آنها آثار مزرعهها به چشم می خورد، ولی اکنون بدلیل وجود افراد مهاجر ساختمانهای زیادی در آنجا ساخته شده است.

قسمت جنوبی متعلق به قبایل مشخصی از مسروح، یعنی اهالی راه غایر و راه فرعی است. روستای قبا و همه

حره غربی واقع شده است و کوه ضلیع سرخ، در جلوی مدرج در وسط حره مذکور قرار دارد.

در سمت چشمهها و در شمال برکه، کوهی است که به ضلیع البرزی معروف است. کوههای ضلیع که نزدیک چشمه هر بیسه و چشمه ریّان قرار گرفته اند، ارتفاع زیادی ندارند. بین چشمه صادقیه و ام هجول که به نام مؤلف معروف است کوه کوچکی به نام ضلیع قرار دارد. بجز این موارد در حرم مدینه چیزی نیست.

حرمی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را کوه عین تا ثور تعیین نموده است، غیر کوه سیاه رنگی است که از چاههای علی علیه السلام، محل میقات، تا باغهای وسیعی غیر باغهای علاوه که در راه غایر و فرع است کشیده شده و ادامه دارد. کوه غیر بسیار مرتفع است اما کوه ثور در پایان زمینهایی که چشمه صادقیه در آن جاریست در جهت شامی واقع شده است. این کوه کوچک جدا از کوههای دیگر و رنگ سرخ دارد در مورد زمین شوره زاری که در پشت آن واقع شده حدیثی موجود است که بیان می کند آن جا محل نزول دجال در آخرالزمان است. غیر از کوههای مذکور بقیه کوهها در خارج حرم واقع شده اند. حره شرقی که در قرن ششم دچار آتش سوزی،

عمرو از قبیله مسروح است و بنی سالم در آن حقی ندارد مگر آن قسمتی که به دلایل شرعی و با خرید آنها جزء املاکشان شده است.

روش محدود ساختن سمت برای یک گروه یا قبیله، چنین بوده که زمینهای جزیره العرب بین عربها تقسیم شده بود و هر قبیله محدوده و جهت معینی داشت که به آن جهت «دیرتی» نامیده شده است. بنابراین اگر افراد بیگانه، آن قسمت را با خرید یا ارث مالک شوند، مردمان دیره بر ملکیت اصلی خود باقی می ماندند؛ آنها در مورد املاکشان قوانین قابل اجرایی داشتند که اگر بخواهیم آنها را بیان کنیم، به این قسمت مربوط نمی شود.

فصل دوم: پاکی هوای چهار جهت

شهر مدینه:

روستای قبا، قربان و عوالی که بالاتر از مدینه منوره قرار گرفته اند در تابستان هوای خنک و مطبوعی دارد و در زمستان که زمان ریزش بارانهای سیل آسا است، به درجه گرمای مناطق مذکور افزوده می شود. هوای قسمت شرقی، جهت عریض بهتر از دیگر جهات و بیشتر از همه جهات حره است. تعداد چاههای آن قسمت که

زمینهایی که بین این روستا و مدینه است متعلق به قبیله فرده در روستای قربان است. روستای قربان بین عوالی و قبا قرار گرفته که متعلق به قبیله وهوب و فرده است. عوالی که در شرق روستای قربان است، به قبیله بنی علی تعلق دارد.

در قسمت شامی (شمالی) آنچه در شرق - راه حمزه رضی الله عنه قرار دارد، مانند: صدقه، چشمه حازمیه، مصرع، سرانیه، چشمه حسین و شریوفیه که نزدیک دامنه کوه احد است، جز املاک قبیله بنی علی به شمار می رود.

طرف غرب - راه حمزه، تا کوه فته متعلق به اشراف قبیله بنی حسین است. از قسمت شمال زمینهایی اشراف تا زمینی که آب چشمه زرقا در آن جاریست ملک قبیله حنانیه - گروهی از مراوحه و جزو حوازم - است. زمین چشمه های قسمت شمالی متعلق به فرزندان محمد، یعنی سعادین و سواعد و تمم است که جزو قبیله احامده هستند. در قسمت غربی، مزارع جرف و محمدیه نیز متعلق به فرزندان محمد است. مزارع عنابس و ابی بریقه در وادی عقیق، ذوالحلیفه، وسیطه و علاوة تا کوه احمر را شامل می شود. این مزارع به حمراء نملی معروف است. و متعلق به بنی

می‌رسد، تا اینکه آن ستاره دوباره ظاهر شود. و سرخی و زردی درختان نخل به چشم می‌آید، در این هنگام گرما شدت می‌یابد و خواب دل‌چسب می‌شود و فعالیت کم‌کم آغاز می‌گردد تا اینکه پاییز فرا رسد. آن هنگام اول برج میزان است، زمانی که برج میزان فرا رسد آب کم کم سرد می‌شود و زمان فرو افتادن دانه خرما در مدینه فرا رسیده؛ مشهورترین پاییز در قسمت بالا و پایین مدینه است. در هنگام تابستان و در شد گرمای روز شهر از روستا خنک‌تر است و آن بدلیل نوع ساخت حیاط (دهلیز) در خانه‌ها می‌باشد. شب در روستاها خنک‌تر است ولی در آنجا - السویکه - حشره‌ای که ضعیف‌تر از پشه است وجود دارد که مانند کک نیش می‌زند و هنگام پرواز صدایی تولید نمی‌کند.

فصل سوم: در مورد چاههایی است

که زمینهای مطلوب برای زندگی و زراعت دارد و آب چاهها گوارا است و همچنین در مورد جهات چهارگانه که کدام جهت و نخلستانها و زمینها مطلوب برای زندگی یا زراعت است.

چاههایی که آبهای گوارا دارند عبارتند از: چاه قدیم در قبا، چاه عباسیه در قائم، چاه

برای آبیاری مزارع به کار می‌رود از جهات دیگر بیشتر است. اما در هنگام بهار هوا بسیار گرم و حرارت خورشید بسیار زیاد است، به طوری که در اثر شدت گرما کسی در مزارع باقی نمی‌ماند و سایه‌ای یافت نمی‌شود.

هوای قسمت شمالی در تابستان گرم و نامناسب و هنگام رسیدن محصول (خرما) بیماری و پشه زیاد می‌شود. اما در زمستان هوای آنجا از دیگر نقاط بهتر است و به همین دلیل مردم مدینه در تابستان به منطقه عوالی (یعنی قبا، قربان و عوالی) می‌روند و در زمستان به قسمت پایین مدینه منوره؛ یعنی ناحیه العیون تغییر مکان می‌دهند.

جهت غربی که قسمت سیح، عنابس، جرف، عقیق و حره‌های بین آنها را شامل می‌شود. هوایی بسیار پاکیزه و مطبوع دارد. اما در اواخر بهار گرما در آنجا شدت می‌یابد. مارهای افعی در آن مناطق به ویژه در وادی عقیق بسیار زیاد یافت می‌شوند. خلاصه مدینه منوره و جهات چهارگانه‌ی شهر، در زمانی که ستاره پروین محو می‌شود و خوشه خرما بر درخت سنگینی می‌کند، گرما در آن زیاد می‌شود و بیماریهای مختلف شایع می‌گردد، فعالیت اعضای بدن به حد پایین



زرقا هم گواراتر چاه عروۀ بن زبیر در جانب مدرج و در ساحل مجرای عقیق است که در زمان قدم آب آن به پادشاهان هدیه می‌شده است.

بهترین مکان برای زراعت بنابر آنچه در بین مردم مشهور است جهت جنوبی مدینه است؛ زیرا آن قسمت به حره متصل است و زمین آن ریگزار و آهکی است و اگر خوب کشت شود و به آن خوب کود بدهند و بدون وقفه آبیاری کنند محصول خوبی خواهد داد و اگر آن را برای بذر افشانی خوب آماده کنند محصول متوسطی خواهد داد.

و به همین علت قدما گفته‌اند که در بین دو حره محصول و گیاهی نیست.

اما زمینهای عقیق که در قسمت غرب به سمت جرف و از آنجا تا چشمه‌ها را شامل می‌شود، ماسه‌زار (ریگزار) است. البته خاک برخی از قسمت‌های آن از رس می‌باشد؛ مانند زمینهای چشمه‌های شمالی که اگر آن‌طور که گفته شد زمین را برای کشت آماده کنند محصول خوبی خواهد داد، اگر دچار آفت نشود هر بذر آن سی برابر محصول می‌دهد.

بهتری کشت، کشت نخست و اولین آن است؛ یعنی بذر را در اول وقت

صفیه در حره و چاه بویره و بئر عصبه که بقیه چاهها، نسبت به چاههای مذکور در درجه کمتری از اهمیت قرار دارند.

در منطقه عوالی، چاه عسیلیه متعلق به فرزندان مرحوم ناصر است که آب آنها از گواراترین آب چاههای عوالی است. در قسمت شرقی، چاه مبعوث قرار دارد که در جنوب عریض و در وسط حره در مجرای سیل مهزور واقع شده است. این چاه بزرگترین چاههای آن جا و آب آن گواراترین آب در بین چاههای منطقه حره شرقیه است.

چشمه‌های قسمت شمالی همان چشمه‌های طرف غربی است که آب آنها از جرف بوده و گواراترین آب را چشمه هریسه و چشمه ریّان دارد.

از چاههای جرف که آب بیشتر و گواراتری دارند می‌توان چاه رومه معروف به چاه عثمان را نام برد.

در قسمت غربی؛ چشمه بنیۀ سرانی که در این سال جاری گردید و چاه قطعۀ آقای یحیی دفتردار و چاه مغیسله و چاه فاطمه که به چاه زمزم معروف است را می‌توان نام برد.

به طور کلی گواراترین آب چاه، از چاهها و چشمه‌های مدینه و حتی از چشمه

آنها سخت نیست البته برخی از اهالی آنجا در سرمای زمستان به خانه‌های خود در مدینه منوره می‌روند. همچنین در زمان جنگ و آشوب، اگر در هنگام تابستان باشد باغبانان در باغهای خود می‌مانند تا از آنها پاسداری کنند و گاهی به شهر می‌آیند چرا که از غارت اموال و بر خانواده و جان خود می‌هراسند.

بیافشانند. اما کشت بعدی محصول خوبی نمی‌دهد. قدام در مورد زمین جرف و عیون گفته‌اند محصول و گیاه در آنجا بسیار است آن قسمت از وسیع‌ترین زمینهای مدینه از حیث خاک و دارای بیشترین نخلستانها است.

قسمت شرقی - یعنی ناحیه عریض و اطراف آن که در مورد آن گفته‌اند، زمینهای آنجا پر محصول و بدون کاه (علف هرز) است؛ چرا که در آنجا رشد می‌کند ولی علف هرز در آن رشد نمی‌کند. شرط موفقیت کشت در آن این است که کارهای مربوط به شخم زدن، کوددهی و آبیاری آن را به خوبی انجام دهند.

اما آنچه که در زیر درختان نخل و در نخلستانها می‌روید، بیشتر گیاهان هرز (کاه) است و محصول کم به ثمر می‌نشیند و در آنجا بیشتر مواقع گیاهان بدون ساقه می‌رویند.

اما در مورد ساکنان و نزلهای جهات چهارگانه: در قسمت غربی اهالی آبار (چاههای) علی و اهل وسیطه و اهل علاوه و بغیر از آنها، اهل ابوبریقه ساکن هستند. در قسمت جنوبی: قبا و قربان و عوالی و اطراف دیوار شهر؛ اعم از باغها و... قابل سکونت هستند. زمستان و تابستان بر